



اوج توکل امام حسین(ع) در پاسخ قرآنی به ابن مطیع / توصیف قرآنی علی اکبر از زبان سیدالشهداء

امام حسین(ع) در پاسخ به خواهش «عبدالله بن مطیع» برای نرفتن به کوفه، ضمن تلاوت آیه ۵۱ توبه، اوج توکل و خشنودی خود را در حماسه جاویدان خود بیان فرمودند.

امام حسین(ع) در پاسخ به خواهش «عبدالله بن مطیع» برای نرفتن به کوفه، ضمن تلاوت آیه ۵۱ توبه، اوج توکل و خشنودی خود را در حماسه جاویدان خود بیان فرمودند.

حجت الاسلام عبدالکریم پاک‌نیا در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در بیان اهمیت امامت صالحان اظهار کرد: سومین پیشوای اسلام در حرکت به سوی کوفه، هنگامی که در منزل «ذات عرق» با «بشر بن غالب اسدی» مواجه شد، بعد از گفت‌وگوی مقدماتی، به پرسش‌های وی پاسخ گفت. «بشر بن غالب» از امام حسین(ع) پرسید: ای پسر دختر رسول خدا(ص) رسول خدا(ص) این آیه را برایم توضیح بده: «يَوْمَ تَدْعُو كُلُّ أُنَاسٍ لِّإِمَامِهِمْ...: روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم...» (اسراء 71) امام فرمود: آری ای برادر اسدی! هر کس از پیشوای هدایت پیروی کند او را به سوی بهشت می‌برد و هر کس پیشوای ضلالت را اجابت کند، به سوی آتش جهنم رهنمون می‌شود. امام حسین(ع) آنگاه با تلاوت آیه‌ای دیگر از قرآن کریم به بشر بن غالب توضیح بیشتری داد: و این معنای قول خداوند است که در قرآن کریم فرموده است: «فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ: گروهی در بهشتند و گروهی در آتش» (شوری 7). این آیه هم که امام در مسیر حرکت تلاوت فرمود، پیام ویژه دیگری برای عموم دارد. حضرت سید الشهداء(ع) به مسئله حساس امامت و رهبری پرداخت و جایگاه والای آن را در زندگی و سرنوشت انسان بیان کرد.

پاک‌نیا در بیان سخنان امام در رابطه با جایگاه امامت، افزود: آن حضرت هشدار داد که افراد هر جامعه ممکن است بر اثر پیروی از رهبر صالح به سوی سعادت و بهشت حرکت کنند یا با پیروزی از رهبری ناصالح به قعر جهنم سقوط کنند؛ بنابر این آیه شریفه، مردم باید در انتخاب رهبر و الگو برای خود خیلی حساس و سختگیر باشند؛ به همین لحاظ در روایات اسلامی، ولایت رهبری صالح، رکن پنجم ایمان و در کنار نماز و روزه معرفی شده و حتی پذیرش اعمال نیک، منوط به ولایت و رهبری صالحان قرار داده شده است.

وی ادامه داد: هر شخصی مکلف به وظیفه‌ای است و ضامن نتیجه نیست؛ چرا که مقدرات در دست خداوند متعال است. انسان‌های متوکل، با همه وجود مقتدرات الهی را می‌پذیرند؛ چرا که خداوند به غیر خیر مقدر نمی‌کند. مؤلف آموزه‌های وحی در قصه‌های تربیتی دلدادگی مطلق به خداوند را نیز یکی از عوامل مهم حرکت امام حسین(ع) دانست و با اشاره به مصادیق آن اظهار کرد: هنگامی که امام از ناحیه «بطن الرمه» حرکت می‌کردند، ابا عبدالله با «عبدالله بن مطیع» برخورد کرد که از سوی عراق می‌آمد، او به امام سلام کرد و عرض کرد: «پدرم فدای شما ای پسر رسول خدا(ع)، چه چیز سبب شده که شما حرم خدا و حرم جدت رسول الله(ص) را رها کنی و این گونه به سوی صحرا و بیابان‌های عراق قدم بگذاری؟ امام حسین(ع) فرمودند: اهل کوفه برایم نامه‌ها نوشته و از من خواسته‌اند که به آنجا بروم. آنان امیدوارند که با رفتن من نشانه‌های حق و ارزش‌های الهی احیا شود و بدعت‌ها از میان برود. «عبدالله بن مطیع» ملتسمانه به امام حسین(ع) عرض کرد: تو را به خدا قسم می‌دهم که به کوفه می‌آی! به خدا سوگند اگر به آن جا بیایی؛ قطعا کشته خواهی شد! امام(ع) در این لحظه، این آیه شریفه را تلاوت فرمودند: «قُلْ لَّنْ يُصِيبُ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَاَنَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ: بگو جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی‌رسد او سرپرست ماست و مومنان باید تنها بر خدا توکل کنند» (توبه/ 51) این آیه نیز آموزه‌هایی مهم دارد؛ از جمله این که هر شخصی مکلف به وظیفه‌ای است و ضامن نتیجه نیست؛ چرا که مقدرات در دست خداوند متعال است. انسان‌های متوکل با همه وجود مقدرات الهی را می‌پذیرند؛ چرا که خداوند به غیر خیر مقدر نمی‌کند. امام حسین(ع) نیز با تلاوت این آیه شریفه از قرآن کریم اوج توکل و خشنودی خود را در حماسه جاویدان خود بیان فرمود.

تأکید امام حسین(ع) بر لزوم حضور جان بر کف در حرکت‌های توحیدی با قرائت آیه 51 سوره کف

حجت الاسلام پاک‌نیا یکی از نکات مهم قیام امام حسین(ع) را «گزینش افراد صالح» خواند و گفت: هنگامی که قافله کربلا به قصر «بنی مقاتل» رسید، متوجه شد که «عبدالله بن حر جعفی» یکی از سرشناسان کوفه در آنجا خیمه زده، امام اول پیکی به سوی او فرستاد و از او دعوت کرد تا در حماسه عاشورا امام را همراهی کند. وقتی پاسخ مثبتی نداد، حضرت شخصا برای دعوت او رفت. بعد از اینکه سخنانی بین امام و عبیدالله رد و بدل شد، نهایتاً به امام گفت: آقا! من خودم نمی‌توانم بیایم اما از نظر مالی یاریتان می‌کنم و این اسب تندرو و شمشیر خود را که هر دو در نوع خود ممتازند، تقدیم شما می‌کنم. امام فرمود: ما برای شمشیر و اسب تو نیامده‌ایم، ما یاری کردن شخص تو را می‌خواهیم. اگر تو جان خود را از ما دریغ می‌داری، ما نیازی به مال تو نداریم. آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند: «وَمَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصَدًا: و من آن نیستم که گمراه گران را همکار خود بگیرم» (کف/ 51).

وی در تشریح فلسفه قرائت این آیه افزود: امام با قرائت این آیه، یکی دیگر از صفحات زرین تاریخ عاشورا را ورق زد و درس دیگری به افراد آموخت که در حرکت‌های توحیدی کارگزاران امین و جان بر کف لازم است و افراد ترسو، ضعیف النفس و

ضعیف الایمان هرگز نمی‌توانند دین حق را یاری کنند و از ارزش‌های الهی پاسداری کنند. افراد را باید در گردنه‌های سخت آزمایش و نیروهای مخلص و تمام‌عیار را انتخاب کرد. منحرفان سیاسی که استقلال فکری، سیاسی و اقتصادی ندارد، نمی‌توانند تا پایان مقاومت کنند و در یک کلام افراد گمراه در حرکت‌های هدایت‌آفرین عاجز و ناتوانند. همین آیه را امام علی(ع) هنگامی قرائت کرد که به آن حضرت پیشنهاد عدم عزل معاویه را تا استقرار یافتن حکومتش کرده بودند. آیه استرجاع از جمله آیات و عباراتی است که امام حسین(ع) به هنگام شهادت یاران باوفایش و در موارد دیگر، بارها آن را تلاوت می‌فرمود و به این ترتیب پناهندگی خود را در مواقع سخت به خداوند ابراز می‌کرد.

تفهیم الهی بودن بیعت با امام حسین(ع) به کوفیان با استناد به آیه 10 سوره فتح مدرس حوزه علمیه قم درباره پیام‌های آیه استرجاع در حماسه عاشورا گفت: امام با تکیه بر این آیه اوج معرفت خود را در عرصه توحید ابراز کرد. این آیه واضح‌ترین شعار حق جویان و سالکان وادی عرفان است. آنان هر گاه با انبوه مشکلات و سختی‌ها و کمبودها و مصائب مواجه شوند با تلاوت این آیه که از عمق جان‌شان بر می‌آید، به دریای بی‌کران فضل و رحمت الهی پناهنده می‌شوند. تلاوت این آیه نشانگر صبر صابران و شکیبایی گرفتاران موحد در راه حق است.

«پاک نیا» این شیوه برخورد با شدائد و مصائب زندگی را از آموزه‌های رسول خدا(ص) دانست و گفت: این صبر را خداوند متعال به آنان آموخته است؛ چرا که «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم» (بقره/ 156) و در ادامه، قرآن کریم می‌فرماید: «وَأُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» برایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان (باد) و راه یافتگان (هم) خود ایشانند» (بقره/ 157).

مؤلف «آموزه‌های وحی در قصه‌های تربیتی» خاطر نشان کرد: امام حسین(ع) نیز با قرائت این آیه به هنگام مصائب نفس گیر و فجایع طاقت فرسا به ما آموخت که به هنگام شداید و روال نعمت‌ها محزون و ناراحت نشویم؛ چرا که همه نعمت‌ها و مواهب الهی حتی وجود خود ما نیز متعلق به اوست که روزی به ما هبه کرده و روز دیگر نیز بنابر مصالحی از ما می‌گیرد. دنیا خانه همیشگی باری ما نیست و ما همچون مسافری باید از آن بگذریم و همه این مشکلات زنجیروار برای کالم شدن ما در سیر و سوی مقصد نهایی است؛ همچنان که خود در اوج طوفان‌های سخت بلا این گونه بود این باور و حیاتی که امام به ما می‌آموزد، در کمال روح و تقویت ایمان و روحیه پایداری نقشی به سزا دارد.

مؤلف کتاب «ارتباط با خدا» یکی دیگر از عبرت‌های عاشورا را «فرجام پیمان شکنان» خوانده و تصریح کرد: حضرت ابا عبدالله در منزلگاه «بیضه» در کنار سپاه خود برای لشگریان «حر بن یزید ریاحی» خطبه‌ای خواند و اهل کوفه را از عواقب تاسف بار پیمان شکنی بر حذر داشت و در فرازی از آن فرمود: «نامه‌های شما به دستم رسید و فرستاده‌های شما پی در پی آمدند که شما با بیعت خود ما را تسلیم دشمن نمی‌کنید، اگر بر بیعت خود ثابت بمانید به رشد و کمال می‌رسد. من حسین فرزند علی و فاطمه دختر رسول الله خودم با شمایم و خاندانم با خاندان شماست، من الگو و اسوه شما هستیم اما اگر نقض پیمان کنید، قسم به جان خود این رفتار شما ناشناخته نیست، شما با پدرم، برادرم، و پسر عمم مسلم نقض پیمان کرده‌اید شما در کسب سعادت خطا کرده و نصیب توفیق و ایمان خود را بر باد داده‌اید، آنگاه امام(ع) این آیه شریفه را تلاوت فرمودند «... فَمَنْ تَكْتَفِئْتُمْ يَنْكُتْ عَلَى تَقْسِيهِ...» پس هر که پیمان شکنی کند تنها به زیان خود پیمان می‌شکند» (فتح/ 10). خداوند در این آیه به پیمان بستن و عواقب پیمان شکنی با پیامبر اشاره کرده است. امام در واقع با استناد به این آیه به اهل کوفه و همه مسلمانان فهماند که پیمان بستن با پیامبر و امام معصوم(ع) در حقیقت پیمان با خداست و شکستن این پیمان نقض عهد الهی و عواقب وخیمی در پی دارد.

تلاوت آیه «أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ» در ماهیت واقعی کوفیان

وی با بیان اینکه اگر انسان به وعده‌های حق الهی درباره حساب و کتاب اعمال خود در روز قیامت، باور قلبی داشته باشد و یقین کند که تمام اعمال حتی کوچکترین آنها در دنیا مواخذه دارد، هرگز خودسرانه عمل نمی‌کند و فریب ظاهر دنیا و وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد، افزود: حضرت وقتی دشمنان به هیچ وجه، تغییری در رفتارشان نمی‌دهند و همچنان بر طلب جنگ می‌کوبند و اصرار بر قتل آن حضرت دارند، در فرازی از خطبه خویش این آیه شریفه را تلاوت کردند: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است، آنان حزب شیطانند آگاه باش که حزب شیطان همان زیان کارانند» (مجادله/ 19). امام با این عبارت ماهیت واقعی آنان را به نمایش گذاشت و آنان را یاران حزب شیطان معرفی کرد و نهایت بدبختی و بی‌سعادتیشان را یاد آور شد.

معرفی حضرت علی اکبر به عنوان مصداق آیه 33 آل عمران

مؤلف «آموزه‌های وحی در قصه‌های تربیتی» در ادامه اظهار کرد: حضرت علی اکبر، وارث زیبایی‌ها و فضیلت‌های امام حسین چنان رفیع و منیع بود که حضرت ابا عبدالله آن جوان ارجمند را یادگار رسول خدا می‌دانست و هرگاه دلش در فراق پیامبر تنگ می‌شد و مشتاق زیارت نبی مکرم اسلام می‌شد؛ در سیمای علی اکبر، رسول خدا را جست‌وجو می‌کرد و از عطر وجود آن گرامی رایحه رسول‌الله را استشمام می‌کرد. به همین لحاظ، امام هنگام وداع با فرزند برومندش آیه شریفه‌ای را از سوره آل عمران تلاوت کرد و به دوست و دشمن بار دیگر عظمت علی اکبر(ع) را نمایان ساخت. امام وقتی که جناب علی اکبر را سوی دشمن روانه می‌کرد، این آیه را با صوت بلند تلاوت کرد: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است. فرزندان که بعضی از آنان از(نسل) بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست» (آل عمران/ 33 و 34).

مدرس عالی حوزه علمیه قم در پایان خاطر نشان کرد: امام حسین(ع) در این آیه شریفه به صفات زیبا و فضایل اخلاقی فرزند گرامی‌اش اشاره دارد که همه را از انبیاء و اولیاء و افراد برگزیده به ارث برده است. امام به دشمن خویش اعلام کرد که شما با کشتن علی اکبر به جنگ با ارزش‌ها و فضیلت‌ها برخاسته‌اید، او یک جوان معمولی نیست؛ بلکه مظهر پاکی و صداقت و تقواست که ریشه در خاندانش دارد. او عصاره صفات پسندیده انبیاء و اولیاست، شما با کشتن این جوان تمام انبیاء و اولیاء و اوصیا و همه خوبی‌ها را هتک حرمت کرده‌اند.